



Sheikh Tusi and the Invalidity of the beliefs of Mojabberah Sect in the Interpretation of Tebiyan

Ronak Emami¹ | Aazam Farjami^{2*}  | Zohreh Narimani³ 

1. Master's degree in Quran and Hadith Sciences, Razi University.
2. Assistant Professor, Razi University, Kermanshah, Iran. E-mail: azamfarjami@yahoo.com
3. Assistant Professor, University of Sciences and Teachings of the Holy Qur'an, Faculty of Qur'anic Sciences, Kermanshah, Iran. E-mail: narimani@Qur'an.ac.ir

Article Info	Abstract
<p>Article type: Research</p> <p>Article history: Received: 2024/11/21 Accepted: 2024/ 2025/3/5 Published: 2025/3/17</p> <p>Keywords: Sheikh Tusi, Tafsir Tebyan, Baghdad Theological School, Mujabberah Sect, Invalidity and rejection of the beliefs of Mujbarah sect.</p>	<p>Al-Tebiyān fi Tafsir al-Qurān by Sheikh Tusi is the most important and influential interpretation of Quran in the fifth century AH. The political-religious conditions of the fourth and fifth centuries AH, the writing of books and interpretations of Quran with a theological tone, the intertwining of theological sects, as well as the confrontation and debates of various theological groups such as Muatazilites and Ashaarites alongside the Imami Shiites in Baghdad, are among the important reasons that have made Sheikh Tusi's theological tone and tendency in the commentary on Al-Tebiyān colorful. Sheikh Tusi has played a very important role in explaining religious teachings and dispelling doubts of various sects, including Muatazilites by mentioning the opinions and theories of other sects with respect and without prejudice in his commentary. Sheikh Tusi, following many verses, with phrases such as “in the verse, there is a sign of the invalidity of the opinion of Jabriyyeh” and “in the verse, there is a sign of the corruption of the opinion of Jabriyyeh”, has criticized the beliefs of the Jabris such as not granting blessings to the infidels, not guiding the infidels, attributing and citing blasphemy, injustice and abominations to God, the obligation of what is unbearable, etc., by relying on and utilizing various interpretive sources such as verses of the Quran and reason, and has declared them invalid and corrupt. In the present article, in addition to reporting all the theological verses regarding the beliefs of Jabriyyeh by presenting six categories of these verses, the beliefs of Jabriyyeh are criticized on six topics in specific verses.</p>

Cite this article: Emami, Ronak., Farjami, Aazam., Narimani, Zohreh. (2024). Sheikh Tusi and the Invalidity of the beliefs of Mojabberah Sect in the Interpretation of Tebiyan. *Journal of Theological and Exegetical Studies*, Year 1, Issue 1, Autumn 2024, Serial Number 1, (115-142)



Publisher: Allameh Tabatabaei Seminary Higher Education Institute, Kermanshah

شیخ طوسی و بطلان عقاید فرقه مجبّره در تفسیر تبیان

روناک امامی^۱ | اعظم فرجامی^{۲*} | زهره نریمانی^۳

۱- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن کریم و حدیث، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

۲- استادیار، گروه الهیات، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: azamfarjami@yahoo.com

۳- استادیار، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: narimani@Qur'an.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۹/۱

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۱۲/۱۵

تاریخ انتشار:

۱۴۰۳/۱۲/۲۷

واژه‌های کلیدی:

شیخ طوسی،

تفسیر تبیان،

مکتب کلامی بغداد،

فرقه مجبّره،

بطلان و ردّ عقاید فرقه

مجبّره.

«التبیان فی تفسیر القرآن» اثر شیخ طوسی، یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین تفاسیر قرآن در قرن پنجم هجری است. شرایط سیاسی-مذهبی قرن چهارم و پنجم هجری، تألیف کتب و تفاسیر قرآن با رویکرد کلامی، درهم‌تنیدگی فرقه‌های کلامی و هم‌چنین رویارویی و مناظرات گروه‌های مختلف کلامی، همچون معتزله و اشاعره در کنار شیعیان امامی در بغداد، از جمله عواملی هستند که سبب شده‌اند صبغه و گرایش کلامی شیخ طوسی در تفسیر تبیان پررنگ باشد. شیخ طوسی با ذکر آراء و نظریات دیگر فرقه‌ها، با رعایت احترام و بدون تعصب، در تفسیر خود نقش بسیار مهمی در تبیین معارف دینی و رفع شبهات فرقه‌های گوناگون، از جمله فرقه مجبّره، ایفا کرده است. شیخ طوسی ذیل بسیاری از آیات، با عباراتی نظیر «فی الآیة دلالة علی بطلان قول المجبّرة» و «فی الآیة دلالة علی فساد قول المجبّرة»، اعتقادات جبریون، همچون عدم اعطای نعمت به کفار، عدم هدایت کفار، انتساب و استناد کفر، ظلم و قبیاح به خداوند، تکلیف ما لا یتطاق و... را با تکیه بر منابع تفسیری مختلف، همچون آیات قرآن و عقل، به نقد کشیده و آنها را باطل و فاسد اعلام کرده است. در این نوشتار، ضمن گزارش همه آیات کلامی ناظر به عقاید مجبّره، با ارائه دسته‌بندی شش‌گانه از این آیات، عقاید مجبّره در شش موضوع در آیاتی خاص مورد نقد قرار گرفته است.

استناد: امامی، روناک؛ فرجامی، اعظم؛ نریمانی، زهره (۱۴۰۳). شیخ طوسی و بطلان عقاید فرقه مجبّره در تفسیر تبیان. پژوهش‌نامه معارف

کلامی تفسیری، سال ۱، دوره ۱، پاییز ۱۴۰۳، شماره پیاپی ۱ (۱۱۵-۱۴۲)

ناشر: مؤسسه آموزش عالی حوزوی علامه طباطبایی ره کرمانشاه



۱. مقدمه

ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، از محدثان، فقیهان، ثقات و مرجع فضلالی قرن پنجم هجری بود که در تمامی دانش‌های روز، از جمله حدیث، رجال، اصول، کلام، ادب، تفسیر و غیره، مهارت داشت و آنها را تدریس می‌کرد. او شاگردان بسیاری تربیت نمود (پژوهشگران گروه فلسفه و کلام اسلامی، ۱۳۸۲، ص ۱۷) و آثار فراوانی از خود به جای گذاشت که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به «التبیین فی تفسیر القرآن» اشاره کرد (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۴۰۳). وی با تعبیری همچون «شیخ الامامیه»، «رئیس الطائفة» (علامه حلی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۴۸)، «فقیه الامامیه» (ابن اثیر، ۱۴۱۷ق، ج ۸، ص ۱۵۱)، «شیخ الشیعة» (ذهبی، ۱۴۰۵ق، ج ۱۸، ص ۳۳۴) و «فقیه الشیعة» (ابن کثیر، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲، ص ۱۱۹) ستوده شده است.

«التبیین فی تفسیر القرآن» یکی از قدیمی‌ترین، معتبرترین و مهم‌ترین تفاسیر جامع شیعی است که در آن، عنصر عقل به صورت جدی مورد استفاده قرار گرفته و به گونه‌ای جامع، بین نقل و عقل، و روایت و درایت، پیوند برقرار کرده است (ایازی، ۱۳۷۳، ص ۲۳۴).

در قرن چهارم و پنجم هجری، با روی کار آمدن دولت شیعی آل بویه در بغداد و دیگر دولت‌های شیعی در مراکز مهم اسلامی، تمدن اسلامی یکی از درخشان‌ترین دوره‌های خود را تجربه کرد. در این میان، متکلمان امامیه در مدرسه بغداد نقش برجسته‌ای در گسترش علوم اسلامی ایفا کردند (حسینی‌زاده خضرآبادی، ۱۳۹۶، ص ۱۰۵). در این دوره، عالمان بزرگی از فقها و متکلمان گرفته تا ادیبان و مفسران در شهر بغداد می‌زیستند. پیروان مذهب تسنن، که از نظر علم کلام به معتزله و اشاعره تقسیم می‌شدند، در مجامع عمومی و گاه در حضور خلیفه، مجالسی برگزار کرده و برای اثبات مرام خود، دلایل متعددی اقامه می‌کردند. علمای شیعه نیز، به‌ویژه با حضور شیخ مفید در بغداد، نه تنها در این مجامع شرکت می‌کردند، بلکه شیخ مفید به‌عنوان یگانه عالم برجسته و سخنوری توانا، با نیروی علم، بیان شیوا و منطق محکم خود، در تمامی موارد بر مخالفان غلبه می‌یافت (حجازی دهاقانی، ۱۳۸۹، ص ۳۴).

شیخ طوسی نیز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین متکلمان مکتب بغداد و شاخص‌ترین شاگرد شیخ مفید، نقش بسزایی در تبیین معارف دینی و رفع شبهات مطرح‌شده از سوی فرقه‌های گوناگون، همچون مفوضه، مجتبه، مشتهه و مجسمه ایفا کرد. این نقش‌آفرینی به‌گونه‌ای بود که بخش قابل‌توجهی از تفسیر تبیان به تحلیل و ارزیابی‌های کلامی شیخ طوسی اختصاص یافته است. این ویژگی در مباحث و عناوین مختلفی همچون تحلیل و بررسی اقوال مفسران، مباحث اعتقادی، کلامی و تاریخی نمود یافته است. همچنین در تفسیر تبیان، نقد مطالب ارائه‌شده از سوی مفسران و متکلمان مختلف، به‌ویژه از منظر دانش کلام، با دقت و اهتمام شیخ

طوسی بررسی شده است. با توجه به رویکرد کلامی شیخ طوسی، استنباط‌ها و تحلیل‌های کلامی مبتنی بر عقل و نیروی آن، در تفسیر تبیان به وضوح مشاهده می‌شود (قاسم‌پور و نجفی لیواری، ۱۳۹۷، ص ۵۹). جستجو در کتب و نوشته‌های تحقیقاتی و پژوهشی حاکی از آن است که برخی از محققان، ضمن تألیفات خود، به مباحث کلامی شیخ طوسی و فرقه مجتبه اشاره کرده‌اند. برای نمونه، اکبر ایرانی قمی در بخش چهارم کتاب «روش شیخ طوسی در تفسیر تبیان»، به جایگاه مباحث کلامی در تفسیر تبیان پرداخته و سپس آرای کلامی شیخ طوسی را حول محورهای اصول دین بیان نموده است. عباس همایی و سمیه خلیلی آشتیانی نیز در مقاله «عدل الهی و مسائل مربوط به آن در میراث تفسیری مدرسه امامیه بغداد»، ضمن بررسی فضای فکری بغداد در عصر چهارم و پنجم هجری، نمونه‌های تفسیری را از دیدگاه شیخ مفید، سید رضی، سید مرتضی، شیخ طوسی و کراجکی در پاسخ به مسئله جبر در این مدرسه ذکر کرده‌اند. هادی درزی رامندی در فصل چهارم پایان‌نامه خود با عنوان «بررسی آرای تفسیری سید مرتضی علم‌الهدی و تأثیر آن بر تبیان شیخ طوسی»، با توجه به شبهات مطرح‌شده از سوی مجتبه، مشبّه، ملحد و معتزله، آرای کلامی سید مرتضی و شیخ طوسی را در پاسخ‌گویی به این شبهات، ذیل برخی از آیات قرآن به صورت اجمالی بررسی کرده است. همچنین پژوهشگران گروه فلسفه و کلام اسلامی در جلد سوم کتاب «اندیشه‌های کلامی شیخ طوسی»، در بحث جبر و اختیار، طی چند صفحه مختصر، ادله عقلی شیخ طوسی و استدلال‌های وی به آیات قرآن را در رد دیدگاه جبرانگاری اشاعره، بر اساس کتب شیخ طوسی بیان کرده‌اند.

کتب و تحقیقات فوق، یا به صورت کلی به مباحث کلامی در تفسیر تبیان اشاره کرده‌اند، یا دیدگاه مجتبه را بر اساس کتب شیخ طوسی بررسی نموده‌اند، یا به صورت بسیار مختصر و با اشاره به نمونه‌هایی، به رد دیدگاه جبرانگاری اشاعره پرداخته‌اند. اما این پژوهش، با جستجوی کلمه «المجبرة»^۱ در تفسیر تبیان به کمک نرم‌افزار جامع التفاسیر و استخراج تمامی موارد مرتبط، به صورت کتابخانه‌ای، قصد دارد به این پرسش‌ها پاسخ دهد: چه عواملی سبب شده است که شیخ طوسی به تفسیر تبیان، سیمای کلامی بدهد و به رد عقاید فرقه‌های مختلف، از جمله مجتبه، اهتمام ورزد؟ شیخ طوسی کدام آیات را به عنوان دلیلی بر بطلان و فساد عقاید مجتبه اعلام کرده است؟ و شیخ طوسی چگونه به مؤلفه‌های فکری مجتبه پاسخ داده و آنها را مورد نقد قرار داده است؟

۱. فضای بغداد در عصر شیخ طوسی

۱. کلمه «المجبرة» ۱۱۶ بار در تفسیر تبیان ذکر شده است.

بغداد^۱، به‌عنوان پایتخت دولت اسلامی، پذیرای دانشمندان زیادی در حوزه‌های گوناگون علمی بود؛ از این رو، بدیهی است که مدارس علمی زیادی در آنجا شکل گرفته باشد. قرن چهارم و پنجم هجری، دوران رویارویی گروه‌های مختلف کلامی در بغداد بود که مهم‌ترین آنها معتزله، اشاعره و امامیه بودند (فاریاب، ۱۳۹۵، صص ۱۳۷-۱۳۸).

افزون بر امکانات و ظرفیت‌های گسترده بغداد، حضور امام کاظم (ع) و امام جواد (ع) در این شهر، و همچنین حضور امام هادی (ع) و امام عسکری (ع) در سامرا (نزدیکی بغداد)، می‌تواند دلیل خوبی برای مهاجرت و اقامت تعداد زیادی از اصحاب ایشان از همان بدو تأسیس بغداد باشد. ظهور شخصیت‌هایی همچون شیخ مفید (م ۱۳ ق)، سید مرتضی (م ۳۶ ق) و شیخ طوسی (م ۶۰ ق)، بغداد را به بلندآوازه‌ترین مرکز امامیه تبدیل ساخت (شیرزاد و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۳۰۶).

با توجه به وجود درگیری‌های فکری بین شیعیان و مخالفانشان در بغداد، و تأثیرپذیری حوزه حدیثی بغداد از کوفه، نوعی عقل‌گرایی در قرن دوم و سوم در این حوزه حدیثی پدیدار شد. علاوه بر این، وجود متکلمانی از خاندان نوبختی همچون ابوسهل نوبختی و دیگران در بغداد، از دیگر نشانه‌های گرایش‌های عقلی و کلامی در حوزه حدیثی شیعه در این شهر است. وجود چنین زمینه‌هایی بود که سرانجام موجب شد در قرن چهارم، گرایش‌های بارز عقل‌گرایی و اجتهاد در احادیث فقهی در حوزه بغداد به روشنی ظاهر شود و سپس با تلاش‌های شیخ مفید و سید مرتضی در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم، به اوج خود برسد؛ به‌گونه‌ای که در انتهای قرن چهارم هجری، حوزه حدیثی بغداد کاملاً مشرب عقل‌گرایی به خود گرفت (جباری، ۱۳۷۹، صص ۶۷-۶۸). برخی از مستشرقان نیز قرن چهارم هجری را دوره رنسانس اسلامی نامیده‌اند (متر، ۱۳۸۸، ص ۹).

شرایط و مقتضیات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی هر عصری از جمله متغیرهایی است که در مسیر شناخت آن عصر، فرهیختگان را به اندیشه‌ورزی واداشته و پاسخگویی به پرسش‌ها و مقتضیات آن دوره را موجب گردیده است. در سده‌های چهارم و پنجم هجری، مناظرات و گفتگوهای علمی بین اندیشمندان مذاهب مختلف و نیز تألیف کتب و تفاسیر قرآن با صبغه‌های کلامی صورت پذیرفت که به‌طور آشکار بازتاب نشاط و جنب‌وجوش فکری عالمان این دوره محسوب می‌شود. مناظرات شیخ مفید با سران اشاعره و معتزله، و نیز نگارش بیش از ۵۰ اثر کلامی، از جمله شواهد این مدعا است. شیخ طوسی نیز به‌خاطر مقام والای

۱. یکی از شهرهای مهم و تأثیرگذار در تاریخ اسلام، شهر «بغداد» است که توسط منصور دوانیقی در نزدیکی شهر مدائن، بنا شده است (خطیب بغدادی، ۱۴۲۲، ج ۱، صص ۳۷۵-۳۷۸).

علمی که احراز کرده بود، بیش از ۱۵ اثر کلامی از خود به جای گذاشت (ر. ک: حجازی دهاقانی، ۱۳۸۹، صص ۲۶-۲۷).

حیات شیخ طوسی به سه دوره تولد (۳۸۵ق) تا ۲۳ سالگی (۴۰۸ق) در طوس، از ۲۳ سالگی (۴۰۸ق) تا ۶۳ سالگی (۴۴۸ق) در بغداد و از ۶۳ سالگی (۴۴۸ق) تا ۷۵ سالگی (۴۶۰ق) در نجف تقسیم می‌شود که از مهم‌ترین و پرحادثه‌ترین دوران جهان اسلام به شمار می‌آید؛ زیرا از سویی درگیری‌ها و منازعات علمی و سیاسی فراوانی در این دوره رخ داد و از سوی دیگر، شکوفایی‌ها و درخشش‌های علمی بسیاری، و به نوعی انقلاب علمی در جهان اسلام، خصوصاً تشیع، به بار نشست. دوره دوم حیات شیخ طوسی که در بغداد گذشت، از مهم‌ترین دوران حیات اسلام است و متشکل از دو بخش آرامش و آشوب است. در آن هنگام، بغداد گذشته از اینکه شهری با عظمت و مرکز خلافت آل عباس بود، از لحاظ علمی نیز در اوج شهرت و ترقی، و محل تلاقی و مجمع دانشمندان کلیه مذاهب اسلامی بود. شیخ طوسی در این فضای باز و پررونق علمی توانست با تلاش‌های خستگی‌ناپذیر و کسب دانش فراوان، از محضر اساتید مهم و بنام، عهده‌دار دو منصب مهم گردد: یکی ریاست علمی و دینی جامعه شیعه، آن هم در بغداد که مرکز مخالفان و نیز انبوه بزرگی از دانشمندان شیعه بود، و دیگری تصاحب کرسی علم کلام که قبل از وی، سید مرتضی این منصب را عهده‌دار بود (ر. ک: نریمانی، ۱۳۸۴، صص ۶۶-۶۹).

می‌توان گفت بغداد در سده چهارم و پنجم هجری به واقع چهارراه اندیشه‌های مختلف و سنت‌های فکری گوناگون و گاه متضاد بود. پیروان فرق گوناگون کلامی و فقهی هر کدام نمایندگانی در این شهر، که پایتخت فرهنگی جهان اسلام به شمار می‌رفت، گرد آورده بودند. گویی ارتباط با بغداد برای حیات و استمرار بقای نحله‌های مذهبی و فکری ضرورتی اجتناب‌ناپذیر بوده است (ر. ک: حسینی بهارانچی، ۱۳۹۰، ص ۱۷)؛ بنابراین، شرایط سیاسی و مذهبی‌ای که بر فضای دو قرن چهارم و پنجم هجری حاکم بود، چنین اقتضا می‌کرد که اسلوب عمومی روش تفاسیر آن دوران، سیمای کلامی داشته باشد (ایرانی قمی، ۱۳۷۱، ص ۱۵۹) و این دو قرن را می‌توان دوران طلایی مناظرات و گردهمایی‌ها، تألیف و نشر کتب کلامی و تفاسیر کلامی دانست (قاسم‌پور و مسعودی‌نیا، ۱۳۹۶، ص ۳۲).

۳. رویکرد کلامی شیخ طوسی در آثارش و سیمای کلامی تفسیر تبیان

بررسی آثار شیخ طوسی نشان می‌دهد که این عالم بزرگ در هشت حوزه علمی به تألیف پرداخته است: کلام: ۲۳ اثر؛ فقه: ۱۶ اثر؛ ادعیه: ۴ اثر؛ تفسیر: ۳ اثر؛ حدیث: ۳ اثر؛ رجال: ۳ اثر؛ اصول: ۲ اثر؛ تاریخ: ۲ اثر.

تعداد قابل توجه آثار کلامی شیخ طوسی، گویای رویکرد ویژه او به این علم است. نکته حائز اهمیت، تسلط کم نظیر شیخ طوسی بر آراء و نظریات دانشمندان مختلف جهان اسلام است که به آثار او ویژگی تطبیقی و تقریبی بخشیده است (قاسمی حامد و جمالی، ۱۳۹۱، ص ۴۰).

اگرچه شیخ طوسی عمدتاً به عنوان فقیه و محدث شناخته می شود، لیکن آثار او در حوزه های فقه، حدیث و تفسیر نیز دارای غلظت کلامی قابل توجهی است. بررسی دقیق آثار وی نشان می دهد که او در اصول دین و مباحث اعتقادی، عقل گرایی روش مند و استدلال محور را سرلوحه کار خود قرار داده است (جمالی نسب، ۱۳۹۵، ص ۵۶).

تفسیر تبیان به عنوان یکی از مهم ترین آثار شیخ طوسی، از دو ویژگی برجسته برخوردار است: ۱. رویکرد کلامی آشکار و ۲. روش اجتهادی در تفسیر.

این تفسیر را می توان در زمره تفاسیر کلامی به شمار آورد (علامه طباطبایی، ۱۳۵۰، ص ۵۰-۵۱). شیخ طوسی در این اثر، شالوده عقاید کلامی شیعه را در دو بُعد اثباتی (تثبیت اصول اعتقادی شیعه) و سلبی (نقد آرای اشاعره و معتزله) ارائه کرده است. تفسیر تبیان از یکسو مانند تفاسیر صرفاً کلامی (همچون مفاتیح الغیب فخر رازی) نیست که به شکل دائرةالمعارفی از علم کلام باشد، و از سوی دیگر مانند تفاسیر نقلی، لغوی یا عرفانی نیست که کاملاً از مسائل کلامی اجتناب کرده باشد (ایرانی قمی، ۱۳۷۱، ص ۱۵۸-۱۵۹). ویژگی های کلامی تفسیر تبیان را می توان در پنج محور اصلی دسته بندی کرد: ۱. گزارش نظریات متکلمان مختلف؛ ۲. توجه ویژه به آرای معتزله؛ ۳. نقد اندیشه های کلامی غیر شیعی (مجتبه، مشبهه، خوارج، مجسمه و...); ۴. اثبات اصول و قواعد کلامی امامیه؛ ۵. محوریت استدلال و خردورزی در تفسیر قرآن (قاسم پور، ۱۳۸۲، ص ۴۳-۴۴).

تفسیر تبیان به عنوان صفحه ای زرین در تاریخ تفسیر شیعی، با جامعیت خود در علوم قرآنی و رویکرد کلامی خاص خود، در فضای فکری قرن پنجم بغداد شکل گرفته است. این اثر علاوه بر ارزش های تفسیری، به دلیل مواجهه عقلانی با آرای مختلف کلامی در دوره ای که تضارب آرا بین شیعه و اهل سنت به اوج خود رسیده بود، از اهمیت ویژه ای برخوردار است (هاشمی و هاشمی زاده، ۱۳۹۴، ص ۸).

۴. شیخ طوسی و فرقه مجتبه در تفسیر تبیان

درهم تنیدگی فرق کلامی و حضور معتزله و اشاعره در کنار شیعیان امامی و وجود اهل حدیث، مدرسه تفسیری امامیه بغداد را به لحاظ فکری با معرکه ای از آراء مواجه می سازد که برای حفظ هویت خود و اثبات آن، صبغه کلامی اش بر دیگر جهت گیری های آن سایه می گستراند؛ به گونه ای که مدرسه تفسیری امامیه بغداد

در این سال‌ها منطبق بر مدرسه کلامی آن است و مفسران آن، همان متکلمان این مدرسه به‌شمار می‌آیند (خلیلی آشتیانی، ۱۳۹۵، ص ۲۸۹).

شیخ طوسی در روش تفسیری خود از آراء و نظریات کلامی مذاهب گوناگون، همچون معتزله، مجتبه، مشبّه، مجسمه، خوارج و حتی یهود و نصاری نیز استفاده نموده و از آنها سخن به میان آورده است. این امر بیانگر گرایش کلامی شیخ در تفسیر و نشان‌دهنده آن است که وی در بیان نظرات دیگر مذاهب، کوتاهی و تعصبی بی‌جا از خود نشان نداده است (قاسمی حامد و جمالی، ۱۳۹۱، ص ۳۹). همچنین شیخ طوسی مباحث مهم و اساسی کلام را در ارتباط با آیات قرآن بیان نموده و رابطه دوسویه تفسیر قرآن و کلام اسلامی شیعی را در تفسیر تبیان روشن می‌سازد (سلطانی رنانی، ۱۳۹۱، ص ۴۶).

۱-۴. شناخت‌نامه فرقه مجتبه

فراهیدی «جبر» را در لغت این‌گونه معنا کرده است: «الْجَبْرُ: الْأَسْمُ وَ هُوَ أَنْ تَجْبِرَ إِنْسَانًا عَلَى مَا لَا يُرِيدُ وَ تُكْرِهَهُ جَبْرِيَّةً عَلَى كَذَا»^۱ (فراهیدی، بی‌تا، ج ۶، ص ۱۱۵). در لسان‌العرب ابن‌منظور آمده که جبر در لغت دارای چند معناست: بی‌نیاز کردن شخص از فقر یا اصلاح استخوان از شکستگی و بستن استخوان شکسته، الزام، اکراه و اجبار، عزّ و امتناعف خلاف قدر (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۱۱۳-۱۱۶).

شیخ طوسی در تفسیر تبیان، جبر را این‌گونه معنا نموده است: «الْجَبْرُ جَبْرُ الْعَظْمِ وَ هُوَ كَالْإِكْرَاهِ عَلَى الصَّلَاحِ» (طوسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۸۵).

در اصطلاح متکلمان، جبر عبارت است از: «الْجَبْرُ: هُوَ نَفْيُ الْفِعْلِ حَقِيقَةً عَنِ الْعَبْدِ وَ إِصْفَافُهُ إِلَى الرَّبِّ. وَ الْجَبْرِيَّةُ أَصْنَافٌ: فَالْجَبْرِيَّةُ الْخَالِصَةُ: الَّتِي لَا تُثَبِّتُ لِلْعَبْدِ فِعْلاً وَلَا قُدْرَةً عَلَى الْفِعْلِ أَصْلاً. وَ الْجَبْرِيَّةُ الْمُتَوَسِّطَةُ: الَّتِي تُثَبِّتُ لِلْعَبْدِ قُدْرَةً غَيْرَ مُؤَثَّرَةً»^۲ (وجدی، ۱۹۷۱، ج ۳، ص ۲۴؛ برای اطلاعات بیشتر نک: شهرستانی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۸۴).

۱. جبر، اسم [است] و آن، وادار کردن فرد است به آنچه نمی‌خواهد و از آن کراهت دارد و جبریه نیز به همین ترتیب [است].

۲. جبر، نفی کردن فعل از بنده به طور حقیقی و نسبت دادن آن به خداوند متعال است و جبریه دو گروه‌اند: جبریه خالصه که هیچ نوع قدرتی را در انجام افعال برای بندگان قائل نیستند و جبریه متوسطه که قدرتی غیر مؤثر را در انجام افعال برای بندگان قائل هستند.

فضل بن شاذان در معرفی جبریه گفته است: «أَهْلُ الْجَبْرِ الَّذِينَ يَقُولُونَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ كَلَّفَنَا مَا لَا نُطِيقُ وَإِنْ لَمْ نَفْعَلْهُ عَذَابًا، وَإِنَّمَا نَحْنُ بِمَنْزِلَةِ الْحِجَارَةِ إِنْ حُرِّكَتْ تَحَرَّكَتْ وَإِنْ لَمْ تُحَرَّكْ لَمْ تَتَحَرَّكْ»^۱ (فضل بن شاذان، بی تا، ص ۶-۷).

سید مرتضی در تعریف فرقه مجبّره می نویسد: «الَّذِينَ زَعَمُوا أَنَّهُ لَا مُحَدِّثَ لِلْمُحَدَّثَاتِ الْمُحْسِنَاتِ وَالْمُتَبَّحَاتِ إِلَّا اللَّهُ تَعَالَى» (سید مرتضی، بی تا، ج ۲، ص ۲۸۵). سپس اشاره می کند که در فرقه مجبّره اختلافاتی رخ داد و آنها به سه دسته تقسیم شدند:

۱. دسته اول، «جهنم بن صفوان» و پیروانش بودند که معتقدند فعل بندگان، مخلوق خداوند متعال است و آنها هیچ نقشی در فعل خود ندارند.

۲. دسته دوم، قول «ضرار» و پیروان اوست که معتقدند خداوند متعال، افعال بندگان را خلق نموده است و آنها به سبب استطاعت قبل از فعل، آن را انجام می دهند.

۳. دسته سوم، قول «حسین نجّار» و «بشر المریسی» و پیروان آنهاست که معتقدند خداوند متعال، افعال بندگان را خلق نموده است، ولی آنها به سبب استطاعت همراه فعل، آن را انجام می دهند (سید مرتضی، بی تا، ج ۲، ص ۱۸۲-۱۸۳).

جبر و اختیار را می توان یکی از مهم ترین و پیچیده ترین مسائل کلامی قلمداد نمود که بین متکلمان در این زمینه کشمکش های زیادی به وجود آورده است. این اختلافات، دیدگاه ها و رهیافت های متعددی را سبب شده که از میان آنها می توان به سه دیدگاه «جبرانگاران»، «تفویض گرایان» و قائلان به «أمر بین الأمرین» اشاره کرد. اشاعره رویکرد جبرگرایانه را در پیش گرفته اند که طبق آن، افعال بندگان مخلوق خداوند و مقدر اوست و قدرت عبد هیچ اثری در ایجاد فعل ندارد و تنها مقارن با وجود فعل است. اهل اعتزال از بیم گرفتار شدن در دام جبر، رویکرد افراطی «تفویض» را انتخاب کرده اند و بدین سان، هر دو گروه به معضلات کلامی فراوانی دچار شده اند. متکلمان امامیه در پرتو هدایت امامان معصوم (علیهم السلام)، در برابر اشاعره و معتزله، رهیافت معتدل و معقول «أمر بین الأمرین» را برگزیده اند (پژوهشگران گروه فلسفه و کلام اسلامی زیر نظر محمود یزدی مطلق، ۱۳۸۲، ص ۲۸۷-۲۸۸؛ برای مطالعه بیشتر، ر. ک: قندی و رجایی، ۱۳۹۶).

۱. اهل جبر، کسانی هستند که می گویند: همانا خداوند عزّوجل ما را تکلیف مالایطاق می کند و اگر ما آن را انجام ندهیم، ما را عذاب خواهد کرد و به راستی ما همانند سنگی هستیم که اگر حرکت داده شود، حرکت می کند و اگر حرکت داده نشود، حرکت نمی کند.

ردیف	آیه مورد استناد	لفظ شیخ طوسی بر بطلان فرقه مجبره	عقیده مجبره
۱	فاتحه: ۱	ذلك يبطل قول المجبرة	عدم اعطای نعمت به کفار
۲	بقره: ۱۰	لو كان الأمر على ما قالته المجبرة...و ذلك باطل.	خَلق کفر در کفار
۳	بقره: ۵۳	ذلك يفسد قول المجبرة	اراده الهی بر کفر برای کفار
۴	بقره: ۵۶	فيه دليل على فساد قول المجبرة	اراده الهی بر کفر برای کفار
۵	بقره: ۷۹	و في الآية دلالة على إبطال قول المجبرة	انتساب تحریف به خدا
۶	بقره: ۸۸	و في الآية ردّ على المجبرة	منع قلوب کفار از قبول ایمان
۷	بقره: ۹۸	و في هذه الآية دلالة على خطأ من قال من المجبرة	ان الامر ليس بمحدث
۸	بقره: ۱۳۴	في الآية دلالة على بطلان قول المجبرة	گرفتار شدن فرزندان به دلیل گناه پدران
۹	بقره: ۱۷۹	و في الآية دلالة على فساد قول المجبرة	عدم اعطای نعمت به کفار
۱۰	بقره: ۱۸۴	و في الآية دلالة على بطلان قول المجبرة	استطاعت همراه فعل
۱۱	بقره: ۱۸۵	و في الآية دلالة على فساد قول المجبرة من ثلاثة أوجه	۱-عدم هدایت کفار، ۲-تکلیف ما لا یطاق، ۳-نسبت کفر انسان به خدا
۱۲	بقره: ۲۰۵	يدلّ على فساد قول المجبرة	اراده الهی بر زشتی
۱۳	بقره: ۲۰۹	و في الآية دلالة على بطلان مذهب المجبرة	اراده الهی بر زشتی
۱۴	بقره: ۲۱۱	و في الآية دلالة على فساد قول المجبرة	عدم اعطای نعمت به کفار
۱۵	بقره: ۲۱۶	يدل على فساد قول المجبرة	اراده الهی بر کفر و فساد
۱۶	بقره: ۲۲۰	و في الآية دلالة على بطلان قول المجبرة	۱-بدل: باز داشتن کافران از ایمان. ۲-تکلیف ما لا یطاق
۱۷	بقره: ۲۳۳	يدل على فساد قول المجبرة	تکلیف ما لا یطاق
۱۸	بقره: ۲۵۱	و في الآية دلالة على فساد قول المجبرة	۱-عدم اعطای نعمت به کفار ۲-اراده الهی بر کفر کفار
۱۹	بقره: ۲۵۷	و في الآية دليل على فساد قول المجبرة	۱-مخلوق. ۲-اراده

استطاعت	و فی الآیة دلالة علی فساد قول المجبرة	بقره: ۲۷۳	۲۰
تکلیف ما لا یطاق	فی هذه الآیة دلالة واضحة علی بطلان مذهب المجبرة	بقره: ۲۸۶	۲۱
عدم هدایت کفار	بخلاف ما تقوله المجبرة	آل عمران: ۴	۲۲
عدم محبت نسبت به کفار	و فیها دلالة علی بطلان مذهب المجبرة	آل عمران: ۳۲	۲۴
اراده خدا بر ظلم (نسبت ظلم به خدا)	و فی الآیة دلالة علی بطلان مذهب المجبرة	آل عمران: ۵۷	۲۵
نسبت معاصی به خدا (نسبت گناه به خدا)	بخلاف ما تقوله المجبرة	آل عمران: ۷۸	۲۷
استطاعت همراه فعل	فی الآیة دلالة علی فساد مذهب المجبرة	آل عمران: ۹۷	۲۸
اراده الهی بر ظلم (نسبت دادن ظلم به خداوند)	و فی الآیة دلالة علی فساد قول المجبرة	آل عمران: ۱۰۸	۲۹
گناه از جانب خداست (نسبت دادن گناه به خدا)	و فی الآیة دلیل علی فساد قول المجبرة	آل عمران: ۱۵۵	۳۰
نسبت دادن ظلم به خداوند	و فی الآیة دلالة علی فساد قول المجبرة	آل عمران: ۱۶۱	۳۱
گناه از جانب خداست (نسبت دادن گناه به خدا)	و فی الآیة دلالة علی فساد مذهب المجبرة	آل عمران: ۱۶۵	۳۲
نسبت دادن ظلم به خداوند	و فیها دلالة علی بطلان مذهب المجبرة	آل عمران: ۱۸۲	۳۳
اراده الهی بر اصرار بر گناه	و فی الآیة دلالة علی بطلان مذهب المجبرة	نساء: ۲۶	۳۶
تکلیف ما لا یطاق	و فی الآیة دلالة علی فساد قول المجبرة	نساء: ۲۸	۳۷
عدم قدرت کفار بر ایمان	و فی ذلك دلالة علی بطلان قول المجبرة	نساء: ۳۹	۳۸
اراده و انجام معاصی توسط خدا	یدل علی بطلان قول المجبرة	نساء: ۶۰	۳۹
اراده الهی بر نافرمانی قوم از پیامبرشان.	و فی الآیة دلالة علی بطلان مذهب المجبرة	نساء: ۶۴	۴۰
خلق کفر و معاصی توسط خداوند	و فی الآیة دلالة علی فساد مذهب المجبرة	نساء: ۶۵	۴۱
نسبت گناه به خدا دادن	و فی الآیة دلالة علی فساد مذهب المجبرة	نساء: ۷۹	۴۲

قدرت مقارن با فعل، استطاعت همراه فعل	یدل علی بطلان مذهب المجبرة	مائده : ۱۹	۴۵
نسبت دادن افعال زشت به خداوند از جمله خلق کفر و گناهان	هذه الآية من الادلة الواضحة على بطلان مذهب المجبرة	مائده : ۱۰۳	۴۶
گرفتار شدن فرزندان به دلیل گناه پدران	وفي الآية دلالة على فساد مذهب المجبرة	مائده : ۱۰۵	۴۷
۱- زیبا نشان دادن کفر برای کفار . ۲- عدم خواست الهی بر ایمان برای کفار	بخلاف ما يقول المجبرة	انعام : ۴۳	۴۸
کارهای باطل و گمراه کننده نیز از فعل خداوند است، نفی حکمت الهی	و ذلك يدل على بطلان ما يقوله المجبرة	انعام : ۷۳	۴۹
رؤیت الهی در آخرت	قال أهل الحشو والمجبرة. وقد بينا فساد ذلك	انعام : ۱۰۳	۵۰
نسبت دادن کفر به خداوند	قد ذكره الله تعالى في مواضع أنه هدى للكفار	انعام : ۱۲۵	۵۱
اراده کفر برای کفار	ولو كان الامر على ما قالته المجبرة...	انعام : ۱۴۹	۵۲
۱- گرفتار شدن فرزندان به دلیل گناه پدران. ۲- عذاب بندگان بدون گناه	وفيها دلالة على فساد قول المجبرة من وجهين	انعام : ۱۶۴	۵۳
تکلیف ما لا یطاق	وفي ذلك دلالة على بطلان قول المجبرة	اعراف : ۴۲	۵۴
۱- عدم قدرت بر ایمان. ۲- فی تکلیف أهل الآخرة	۱- وفي الآية دلالة على فساد مذهب المجبرة. ۲- بطلان مذهب المجبرة	اعراف : ۵۳	۵۵
اراده الهی بر کفر کفار	وفي ذلك دلالة على بطلان مذهب المجبرة	اعراف : ۶۳	۵۶
اراده الهی بر کفر کفار	وفي الآية دلالة على بطلان مذهب المجبرة	اعراف : ۸۹	۵۷
اراده الهی بر کفر و گناه برای کفار	و الآية تدل على بطلان مذهب المجبرة	اعراف : ۱۳۰	۵۸

منصرف گرداندن کفار از ایمان توسط خداوند ، نظریه صرفه	و من قال من المجبرة ... قوله باطل	اعراف : ۱۴۶	۵۹
سوق دادن کفار به کفر و گمراهی توسط خداوند	فأما من قال من المجبرة... فباطل	اعراف : ۱۸۲	۶۰
اراده الهی بر ظلم و ضرر	و ذلك يفسد تأويل المجبرة	اعراف : ۱۸۸	۶۱
ان كل ما في الأرض من باطل و سفه و فسق فان الله يريد اراده الهی بر باطل، فسق و... .	بخلاف ما يقول المجبرة	انفال : ۷	۶۲
إن الله يحول بين المرء و الايمان خداوند مانع رسیدن به ایمان	فأما من قال من المجبرة... فباطل	انفال : ۲۴	۶۳
یکی بودن اراده الهی و اراده انسان	و في الآية دليل على بطلان مذهب المجبرة	انفال : ۶۷	۶۵
اراده الهی بر کفر کفار	و ليس في الآية ما يدل... على ما يقوله المجبرة	توبه : ۵۵	۶۷
ایمان اجباری همه مردم: اراده الهی بر ایمان مردم	و في الآية دلالة على بطلان قول المجبرة	يونس : ۹۹	۶۸
اراده کفر برای کفار	و لا يجوز أن يكون المراد... على ما يذهب اليه المجبرة	هود : ۳۴	۶۹
إن الله يعذب الأطفال	و في ذلك دلالة على فساد قول المجبرة	رعد : ۱۱	۷۰
ان أفعال العباد مخلوقة لله افعال بندگان مخلوق خداست	و من تعلق من المجبرة... فقد أبعد	رعد : ۱۶	۷۱
اراده الهی بر ایمان مؤمنان و کفر کافران	و في الآية حجة على ثلاث فرق: على المجبرة	ابراهيم : ۵۲	۷۳
عدم اعطای نعمت به کفار	و في الآية الثانية- دلالة على فساد مذهب المجبرة	نحل : ۸۳	۷۶
عذاب کردن فرزندان کفار به دلیل کفره پدرانشان	و في الآية دلالة على بطلان قول المجبرة	اسراء : ۱۵	۷۷

۷۸	اسراء: ۳۸	و في ذلك دلالة على بطلان مذهب المجبرة	اراده الهی بر گناه (أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَرِيدُ المعاصي)
۸۰	انبیاء: ۱۰۷	و في الآية دلالة على بطلان قول المجبرة	عدم اعطای نعمت به کفار
۸۱	حج: ۷۸	على فساد مذهب المجبرة	عدل: تکلیف ما لا یطاق
۸۲	مؤمنون: ۶۲	و في الآية دلالة على بطلان مذهب المجبرة	تکلیف ما لا یطاق
۸۳	مؤمنون: ۹۹ و ۱۰۰	و فيها دلالة أيضاً على... بخلاف ما تقول المجبرة	تکلیف ما لا یطاق
۸۴	نمل: ۹۲	و في ذلك دلالة على فساد قول المجبرة	خلق ایمان، هدایت، کفر و گمراهی توسط خداوند
۸۵	عنکبوت: ۳۸	و ذلك يدل على بطلان قول المجبرة	نسبت دادن کفر کافران و نافر منی آنها به خداوند
۸۶	عنکبوت: ۴۰	و ذلك يدل على فساد قول المجبرة	نسبت دادن ظلم به خداوند
۸۷	عنکبوت: ۴۵	و في الآية... دلالة على بطلان قول المجبرة	خلق کردن کافر برای گمراهی
۸۹	سجده: ۳	فيه دلالة على بطلان مذهب المجبرة	اراده الهی بر گمراهی کافران
۹۰	احزاب: ۳۶	و في ذلك دلالة على فساد مذهب المجبرة	قضا و قدر، اراده الهی بر معاصی
۹۱	سبأ: ۵۰	و في الآية دلالة على فساد قول المجبرة	اراده الهی بر گمراهی کفار
۹۲	یس: ۶۲	و في الآية دلالة على بطلان مذهب المجبرة	اراده الهی بر گمراهی کفار
۹۳	ص: ۲۶	و ذلك يفسد قول المجبرة	التسباب باطل و گمراهی به خدا
۹۴	ص: ۲۷	و في الآية دلالة على بطلان مذهب المجبرة	در خلق زشتی ها
۹۵	زمر: ۷	و في الآية دلالة على بطلان مذهب المجبرة	در خلق زشتی ها
۹۶	زمر: ۵۶ تا ۵۸	و في ذلك دليل على بطلان مذهب المجبرة	عدم قدرت کفار بر ایمان
۹۷	غافر: ۳۱	و ذلك دال على فساد قول المجبرة	اراده الهی بر ظلم

۹۸	فصلت : ۱۷	و فی الآیة دلالة علی بطلان قول المجبرة	عدم هدایت کفار و سوق دادن آنها به گمراهی
۹۹	فصلت : ۵۲	و فی الآیة دلالة علی بطلان قول المجبرة	عدم اعطای نعمت به کفار
۱۰۰	شوری : ۱۷	فیه دلالة علی بطلان مذهب المجبرة	اراده الهی بر گمراهی و عمل باطل
۱۰۱	زخرف : ۲۰	ففی ذلك إبطال مذهب المجبرة	۱- أن الله تعالى أراد كفرهم: اراده الهی بر کفر ۲- ان الله تعالى يريد التبيح من أفعال العباد اراده الهی بر زشتی
۱۰۲	ذاریات : ۵۶	و فی الآیة دلالة علی بطلان مذهب المجبرة	خلق بسیاری از انسانها برای کفر و گمراهی
۱۰۴	حدید : ۹	و فی ذلك دلالة علی بطلان قول المجبرة	خلق بسیاری از انسانها برای کفر و گمراهی
۱۰۵	طلاق : ۱۱	و ذلك يدل علی فساد قول المجبرة	إن الله تعالى بعث الأنبياء ليكفر بهم قوم و يؤمن آخرون: اراده الهی
۱۰۷	مدثر : ۳۷	بخلاف ما يقوله المجبرة	تکلیف ما لا یطاق
۱۰۸	انسان : ۳	و ذلك يبطل قول المجبرة	عدم هدایت کفار
۱۰۹	انسان : ۲۹	بخلاف ما يقوله المجبرة	القدرة مع الفعل
۱۱۰	عبس : ۱۲	و قوله... دليل علی بطلان مذهب المجبرة	۱- اعتقاد به استطاعت همراه فعل. ۲- أن المؤمن لا قدرة له علی الكفر ۳- أن الكافر لا يقدر علی الايمان: عدم قدرت کفار بر ایمان
۱۱۱	تین : ۸	و فی ذلك دلالة علی فساد مذهب المجبرة	أن الله يخلق الظلم و الفساد: خلق ظلم و فساد توسط الهی
۱۱۲	بینه : ۵	و قوله... دليل علی فساد مذهب المجبرة	ان الله خلق الكفار ليكفروا به: خلق کافر برای کفر

ص ۱۰۹-۱۱۰).

۲-۴. ردّ عقاید فرقه مجبّره در تفسیر تبیان

از مقایسه کار شیخ طوسی به‌عنوان بزرگ‌ترین مدافع اصول و فروع شیعه با معاصران وی، به‌روشنی می‌توان دریافت که در عصری که اکثر مردم تحت تعلیمات اشاعره از قانون تقلید پیروی می‌کردند، او با شهامت و استقلال فوق‌العاده به عقل و خرد اعتماد نموده و حریت فکر و استقلال نظر را از دست نداد. از این رو، وی را می‌توان در زمره متفکران آزاد و عقل‌گرایان معتدل به‌شمار آورد (درزی رامندی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۱).

شیخ طوسی در این تفسیر، ذیل آیات متعددی ضمن بیان آراء و عقاید فرقه مجبّره، با عباراتی نظیر «ذلك يبطل قول المجبرة»^۱، «ذلك يفسد قول المجبرة»^۲، «في الآية دلالة على بطلان قول المجبرة»^۳، «في الآية دلالة على فساد قول المجبرة»^۴ و... و با استناد به ادله‌ای محکم، عقاید آنان را به‌تفصیل نقد کرده و باطل و فاسد اعلام نموده است. در جدول زیر، آیات مورد استناد شیخ طوسی، عبارات وی در ردّ عقاید فرقه مجبّره و نقدهای وی بر این فرقه را به‌ترتیب مجلدات تفسیر تبیان ارائه می‌شود.

مجموع آیات فوق که مورد استناد فرقه مجبّره است و از سوی شیخ طوسی نقد شده، در شش دسته تقسیم‌بندی می‌شود. هر دسته موضوعات شبیه به هم هستند که ممکن است در استناد به آیات نیز مشترک باشند که در جدول ذیل ارائه می‌شود.

ردیف	آیات مورد استناد شیخ طوسی	عقیده فرقه مجبّره
۱	فاتحه: ۱؛ بقره: ۸۸، ۱۷۹، ۱۸۵، ۲۱۱، ۲۲۰، ۲۵۱؛ آل عمران: ۴، ۳۲؛ نساء: ۳۹؛ انعام: ۴۳؛ اعراف: ۵۳، ۱۴۶، ۱۸۲؛ انفال: ۲۴؛ نحل: ۸۳؛ انبیاء:	مانع‌سازی و بازداشتن از ایمان؛ خودداری از اعطای نعمت به کفار؛ بستن دل‌های کفار بر پذیرش ایمان؛ محروم‌سازی کفار از هدایت الهی؛

۱. طوسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۰؛ ج ۱۰، ص ۲۰۷.

۲. طوسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۴۳؛ ج ۸، ص ۵۵۷.

۳. طوسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۷۸؛ ج ۲، ص ۱۲۰ و ۲۱۶؛ ج ۵، ص ۴۳۵؛ ج ۶، ص ۴۵۸؛ ج ۷، ص ۲۸۵؛ ج ۹، ص ۱۱۶ و ۱۳۸.

۴. طوسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۰۷، ۱۲۵، ۱۹۰، ۳۰۲، ۳۵۷ و ۵۵۴؛ ج ۳، ص ۳۵ و ۱۷۷؛ ج ۸، ص ۴۰۷.

<p>عدم محبت ورزی نسبت به کافرین؛ سلب توانایی ایمان آوردن از کفار؛ آراستن کفر در نظر کافران؛ بازگرداندن کفار از مسیر ایمان؛ هدایت الهی کافران به سوی کفر و ضلالت؛ تحریم دستیابی به ایمان توسط پروردگار.</p>	<p>۱۰۷؛ زمر: ۵۶-۵۸؛ فصلت: ۱۷، ۵۲؛ انسان: ۳؛ عبس: ۱۲.</p>	
<p>انتساب و استناد فعل انسان به خداوند و اراده او؛ مخلوق بودن افعال بندگان: خلق کفر در کفار؛ انتساب کفر، ظلم، معصیت، تحریف و قبایح به خداوند؛ خلق کردن کافر برای گمراهی و کفر؛ اراده الهی بر کفر کفار؛ اراده الهی بر ظلم، فساد، ضرر، گمراهی، فسق، زشتی ها و اصرار بر گناه؛ اراده و انجام معاصی توسط خدا؛ اراده الهی بر نافرمانی قوم از پیامبرشان؛ نهی حکمت الهی؛ خلق بسیاری از انسان ها برای کفر و گمراهی.</p>	<p>فاتحه: ۱؛ بقره: ۱۰، ۵۳، ۵۶، ۷۹، ۱۸۵، ۲۰۵، ۲۰۹، ۲۱۶، ۲۵۱، ۲۵۷؛ آل عمران: ۵۷، ۷۸، ۱۰۸، ۱۵۵، ۱۶۱، ۱۶۵، ۱۸۲؛ نساء: ۲۶، ۶۰، ۶۴، ۶۵، ۷۹؛ مائده: ۴۳، ۷۳، ۱۰۳، ۱۲۵، ۱۴۹؛ اعراف: ۶۳، ۸۹، ۱۳۰، ۱۸۸؛ انفال: ۷، ۶۷؛ توبه: ۵۵؛ یونس: ۹۹؛ هود: ۳۴؛ رعد: ۱۶؛ ابراهیم: ۵۲؛ اسراء: ۳۸؛ نمل: ۹۲؛ عنکبوت: ۳۸، ۴۰، ۴۵؛ سجده: ۳؛ احزاب: ۳۶؛ سبأ: ۵۰؛ یس: ۶۲؛ ص: ۲۶، ۲۷؛ زمر: ۷؛ غافر: ۳۱؛ شوری: ۱۷؛ زخرف: ۲۰؛ ذاریات: ۵۶؛ حدید: ۹؛ طلاق: ۱۱؛ تین: ۸؛ بینه: ۵</p>	<p>۲</p>
<p>عذاب اطفال کفار و مشرکان به سبب گناه پدرانشان</p>	<p>بقره: ۱۳۴؛ مائده: ۱۰۵؛ انعام: ۱۶۴؛ رعد: ۱۱؛ اسراء: ۱۵.</p>	<p>۳</p>
<p>استطاعت همراه فعل</p>	<p>بقره: ۱۸۴، ۲۷۳؛ آل عمران: ۹۷؛ مائده: ۱۹؛ انسان: ۲۹؛ عبس: ۱۲.</p>	<p>۴</p>
<p>تکلیف ما لا یطاق</p>	<p>بقره: ۱۸۵، ۲۲۰، ۲۳۳، ۲۸۶؛ نساء: ۲۸؛ اعراف: ۴۲؛ حج: ۷۸؛ مومنون: ۶۲، ۹۹-۱۰۰؛ مدثر: ۳۷.</p>	<p>۵</p>
<p>ان الامر لیس بمحدث؛ رؤیت الهی در آخرت؛</p>	<p>بقره: ۹۸؛ انعام: ۱۰۳؛ اعراف: ۵۳؛ ابراهیم: ۴۴؛ احزاب: ۳۶.</p>	<p>۶</p>

مکلف بودن انسان‌ها در آخرت؛ قضا و قدر		
--	--	--

در ادامه، در هر دسته به اختصار به نمونه‌های از آیات می‌پردازیم که شیخ طوسی ذیل آنها عقاید مجبره را به نقد کشیده است.

۴-۲-۱. دسته اول

شیخ طوسی در تفسیر تبيان، ذیل تعدادی از آیات قرآن، عقیده فرقه مجبّره را که معتقدند خداوند متعال به کفار نعمتی ارزانی نکرده و با ایجاد مانع، آنان را از پذیرش ایمان بازداشته و به گمراهی سوق داده است، مورد نقد قرار داده و آن را باطل و مردود اعلام کرده است. در ادامه با ذکر نمونه‌هایی از این دسته، چگونگی پاسخگویی و ردیه شیخ طوسی بر شبهه جبر فرقه مجبّره را بررسی می‌کنیم.

نمونه اول:

شیخ طوسی در تفسیر آیه «وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ لَعْنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ» (بقره/ ۸۸) با مقایسه عقلی بین مجبّره و یهود، این آیه را ردّی بر فرقه مجبّره دانسته است. وی استدلال می‌کند که ادعای مجبّره مشابه ادعای یهود است که گفتند قلب‌هایشان به دلیل وجود مانع نمی‌تواند ایمان بیاورد، در حالی که خداوند با لعن و ذم، آنان را تکذیب کرده است. این لعن و ذم دلالت بر خطاکار بودن آنان دارد؛ زیرا اگر ادعایشان صحیح می‌بود، سزاوار لعن و ذم نبودند (طوسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۴۲).

نمونه دوم:

در تفسیر آیه «... وَ مَنْ يُدِلَّ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ...» (بقره/ ۲۱۱)، شیخ طوسی اشاره می‌کند که این آیه بر فساد قول مجبّره دلالت دارد؛ زیرا آنان معتقدند خداوند به کافران نعمتی عطا نکرده، در حالی که آیه مورد بحث به تبدیل نعمت الهی اشاره دارد. ایشان برای تأیید این نظر، به آیات «يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا وَأَكْثَرُهُمُ الْكَافِرُونَ» (نحل/ ۸۳) و «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا...» (ابراهیم/ ۲۸) استناد می‌کند (طوسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۹۰).

نمونه سوم:

شیخ طوسی در تفسیر عبارت «أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ» (انفال/ ۲۴) سه دیدگاه را مطرح می‌کند:
۱. خداوند با مرگ یا زوال عقل، بین انسان و قلبش فاصله می‌اندازد. در این صورت، جبران گذشته هم ممکن نیست و تفسیر آیه این است که به سوی توبه مبادرت بورزند، قبل از این که به این حال برسند.

۲. این آیه تشویق به توبه پیش از رسیدن به چنین حالتی است؛ زیرا خداوند متعال به انسان از رگ گردن نزدیک‌تر است و چیزی از خداوند مخفی نمی‌ماند و این، غایت تحذیر است.

۳. آیه به تغییر حالات قلوب انسان‌ها توسط خداوند اشاره می‌کند؛ زیرا خداوند مقلب القلوب است، خداوند قلب انسان از حال امن به حال خوف و از حال خوف به حال امن تغییر می‌دهد.

شیخ طوسی سپس با استدلال عقلی به نقد دیدگاه مجبّره می‌پردازد که معتقدند خداوند پس از سفارش به ایمان، مانع ایمان آوردن می‌شود. وی این دیدگاه را باطل می‌داند؛ زیرا جایز نیست که خداوند فردی را به کاری امر نماید و سپس او را از آن کار، منع کند و حایل بین آنها شود؛ همانا آن غایت سفاهت است و خداوند متعال، منزّه از آن است (طوسی، بی تا، ج ۵، ص ۱۰۱).

۴-۲-۲. دسته دوم

شیخ طوسی در تفسیر تبیان، با استناد به آیات متعدد قرآن، عقیده فرقه مجبّره را مبنی بر انتساب افعال انسان از جمله کفر، ظلم، معصیت و دیگر زشتی‌ها به خداوند، و همچنین اعتقاد به خلق و اراده الهی بر کفر، کفار، اراده الهی بر ظلم، فساد، ضرر و گمراهی را به شدت رد کرده و باطل اعلام نموده است. ایشان با بهره‌گیری از ادله عقلی و نقلی، این عقاید را به تفصیل نقد کرده و به شبهات فرقه مجبّره پاسخ داده است. در ادامه نمونه‌هایی از این ردیه‌ها بررسی می‌شود.

نمونه اول

در تفسیر آیه «فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا...» (بقره: ۱۰)، شیخ طوسی با استدلال عقلی و قواعد ادبیات عرب به شبهه جبریون پاسخ داده است. ایشان شبهه مجبّره را این‌گونه طرح می‌کند که اگر طبق عقیده آنان خداوند در انسان‌ها کفر را خلق کرده باشد، کافران می‌توانند بگویند: «گناه ما چیست؟ خداوند در ما کفر را آفریده و ما را از ایمان بازداشته است». سپس در پاسخ به این شبهه می‌فرماید: این عقیده باطل است و تقدیر آیه چنین است: «فِي اعْتِقَادِ قُلُوبِهِمُ الَّذِي يَعْتَقِدُونَهُ فِي الدِّينِ وَالتَّصْدِيقِ بِنَبِيهِ مَرَضٌ» که در آن مضاف حذف شده و مضاف‌الیه جای آن نشسته است، مشابه آیه «وَاسْأَلِ الْقُرْيَةَ» (یوسف: ۸۲) که مراد اهل قریه است (طوسی، بی تا: ج ۱، ص ۷۳).

نمونه دوم

در تفسیر آیه «وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (بقره: ۵۳)، شیخ طوسی «لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» را به معنای «لِئَلَّا تَهْتَدُوا» دانسته و استدلال می‌کند که این آیه نشان می‌دهد خداوند اراده فرموده قوم موسی هدایت شوند؛ زیرا این لام، لام غرض است. این استدلال بطلان عقیده مجبّره را که معتقدند خداوند برای آنان کفر را اراده کرده است، اثبات می‌کند (طوسی، بی تا: ج ۱، ص ۲۴۳).

نمونه سوم

شیخ طوسی در تفسیر عبارت «وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» (بقره: ۲۰۵) به نقد مجبّره پرداخته و می‌نویسد: این آیه بطلان عقیده آنان را نشان می‌دهد؛ زیرا جبریون معتقدند که خداوند متعال زشتی‌ها و قبیح را اراده می‌کند و آن را می‌خواهد، در حالی که آیه می‌گوید خداوند فساد را دوست نمی‌دارد و قطعاً خداوند متعال از خودش محبت و دوست داشتنِ فساد را نفی کرده است و محبت الهی همان اراده اوست. این بدین معناست که هر آنچه خدا دوست داشته باشد که وجود داشته باشد، پس اراده کرده که وجود داشته باشد، و هر آنچه که خدا دوست نداشته باشد که وجود داشته باشد، پس اراده نکرده که وجود داشته باشد. می‌توان گفت شیخ طوسی با استفاده از عقل و ظاهر آیه بیان می‌کند که اگر خداوند خواستار فساد و زشتی‌ها باشد، باید بر آنها نیز اراده داشته باشد و محبت همان اراده است، ولی آیه به صراحت اعلام کرده که خداوند فساد را دوست ندارد و وقتی خداوند فساد را دوست ندارد، پس آن را اراده نکرده است (طوسی، بی‌تا: ج ۲، ص ۱۸۱).

نمونه جامع

این نمونه هر دو دسته آیات را در بر می‌گیرد. شیخ طوسی در تفسیر آیه اول سوره فاتحه، ضمن اشاره به اینکه آیه بر توحید دلالت دارد، موصوف شدن الهی به صفت «الرحمن»، را مبالغه در رحمت و دلالت بر رحمت عام خداوند نسبت به تمام مخلوقات - شامل مؤمن، کافر، طفل و بزرگسال - دانسته است، سپس این تفسیر را به عنوان ادله‌ای بر باطل بودن سخن مجبّره قلمداد کرده^۱ و توضیح می‌دهد مجبّره کسانی هستند که گفتند خدا بر کافر نعمتی ندارد، در حالی که وصف شدن خدا به «رحمن» صفت مدح است و منافات و ناسازگاری دارد با اینکه کفر را در کافر ایجاد نماید سپس او را به خاطر آن عذاب کند (طوسی، بی‌تا: ج ۱، ص ۳۰).

۴-۲-۳. دسته سوم

شیخ طوسی در تفسیر تبیان، با استناد به آیات محدودی از قرآن کریم، به نقد عقیده مجبّره درباره عذاب اطفال کفار و مشرکان به سبب گناه پدرانشان پرداخته است. نمونه‌های زیر این رویکرد را به روشنی نشان می‌دهد.

نمونه اول

در تفسیر آیه «وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (بقره: ۱۳۴)، شیخ طوسی با تأکید بر مسئولیت فردی انسان‌ها در برابر اعمال خود، این آیه را دلیلی بر بطلان عقیده مجبّره می‌داند که معتقدند فرزندان به خاطر

۱. «...وذلك يبطل قول المجبرة الذين قالوا ليس لله على الكافر نعمة...» (طوسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۰).

گناهان پدرانشان مؤاخذه می‌شوند. ایشان برای تأیید این نظر به آیات دیگری مانند «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» (انعام: ۱۶۴) و «الْيَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ» (غافر: ۱۷) استناد می‌کنند (طوسی، بی‌تا: ج ۱، ص ۴۷۸).

نمونه دوم

شیخ طوسی در تفسیر آیه «وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا وَ لَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى» (انعام: ۱۶۴) می‌نویسد: این آیه از دو وجه بر فساد قول مجبّره دلالت دارد:

۱. این آیه به صراحت بیان می‌کند که خداوند طفل را به دلیل کفر پدرش عذاب نمی‌کند.

۲. اصل قرآنی مبنی بر عدم مؤاخذه افراد به خاطر گناه دیگران (طوسی، بی‌تا: ج ۴، ص ۳۳۷).

۴-۲-۴. دسته چهارم

شیخ طوسی به نقد دیدگاه اشاعره درباره «استطاعت همراه فعل» پرداخته و با استناد به آیات قرآن، این عقیده مجبّره را رد کرده است.

نمونه اول

شیخ طوسی ضمن تفسیر آیه و با توجه به معنا و ظاهر آیه «... وَ لِلّٰهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ اِلَيْهِ سَبِيْلًا وَ مَنْ كَفَرَ فَاِنَّ اللّٰهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِيْنَ» (آل عمران: ۹۷) اشاره می‌کند که در این آیه دلالتی بر فساد مذهب مجبّره مبنی بر اینکه استطاعت همراه فعل است، وجود دارد؛ زیرا همانا خداوند متعال حج را بر فرد مستطیع واجب کرده است و کسی که استطاعت ندارد، بر او واجب نمی‌شود و آن [استطاعت] نیست مگر قبل از فعل حج (طوسی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۳۸). شیخ طوسی با این استدلال نشان می‌دهد که استطاعت و قدرت قبل از وقوع فعل وجود دارد نه همراه فعل.

نمونه دوم

شیخ طوسی آیه «فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ» (عبس: ۱۲) را دلیل روشنی بر بطلان عقیده مجبّره درباره قدرت همراه فعل می‌داند. از نظر مجبّره همانا مؤمن هیچ قدرتی بر کفر و کافر نیز هیچ قدرتی بر ایمان ندارد؛ در حالی که خداوند متعال در آیه مورد بحث بیان می‌کند که این [قرآن] برای هرکسی است که از یادآوری او، پند می‌گیرد، بنابراین همانا او بر آن اختیار و قدرت دارد؛ به عبارت دیگر، شیخ طوسی تأکید می‌کند بر اساس این آیه، فرد دارای اختیار و قدرت قبل از انجام فعل است (طوسی، بی‌تا: ج ۱۰، ص ۲۷۱).

۴-۲-۵. دسته پنجم

شیخ طوسی با استناد به آیات قرآن، نظریه «تکلیف ما لا یطاق» را که مورد قبول مجبّره است، به شدت رد کرده است.

نمونه اول

در تفسیر آیه «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» (بقره: ۲۸۶)، شیخ طوسی این آیه را دلیل واضحی بر بطلان عقیده مجبّره می‌داند و تأکید می‌کند که تکلیف الهی تنها در حد توانایی بندگان است. استدلال شیخ طوسی آن است که وسع، همان چیزی است که قدرت انسان آن را شامل می‌شود و شیخ طوسی در ادامه تفسیر آیه، وسع را به معنای قدرت داشتن دانسته است نه به معنای حلال (طوسی، بی‌تا: ج ۲، ص ۳۸۴-۳۸۵).

نمونه دوم

شیخ طوسی در تفسیر آیه «يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ» (نساء: ۲۸) استدلال می‌کند که اراده الهی بر تخفیف تکالیف، با نظریه «تکلیف ما لا يطاق» در تناقض است (طوسی، بی‌تا: ج ۳، ص ۱۷۷) و توضیح می‌دهد که در این آیه، دلالتی بر فساد قول مجبّره که معتقدند خداوند متعال بندگان را به آنچه بر آن توانایی ندارند، تکلیف می‌کند، وجود دارد؛ زیرا عقیده مجبّره در حسن تکلیف ما لا يطاق، با اراده تخفیف در تکلیف از آنها منافات دارد (طوسی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۷۷). می‌توان گفت شیخ طوسی با استفاده و بهره‌گیری از معنای آیه و قیاس عقلی به خوبی به این شبهه مجبّره پاسخ داده است.

۴-۲-۶. دسته ششم

شیخ طوسی در تفسیر تبیان به نقد سایر عقاید فرقه مجبّره پرداخته که از جمله آنها می‌توان به نظریه امر غیر محدث، حکم مرتکب گناه کبیره، مسئله رؤیت الهی در آخرت، تکلیف اهل آخرت و قضا و قدر اشاره کرد. نمونه‌های زیر بیانگر این رویکرد است:

نمونه اول: نقد نظریه رؤیت الهی

در تفسیر آیه «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ» (انعام: ۱۰۳)، شیخ طوسی با سه استدلال محکم به نقد عقیده مجبّره مبنی بر رؤیت الهی می‌پردازد. وی برای این منظور به سه استدلال می‌آورد.

۱. **استدلال اجماعی:** آیه در مقام مدح الهی است و تمام صفات ذکر شده برای خداوند جنبه تمجیدی دارد؛ به عبارت دیگر آیه در مقام مدح الهی بوده و تمام صفاتی که خداوند خودش را به آن در آیات قبل و بعد از این آیه وصف کرده، در مقام مدح الهی است.

۲. **استدلال لغوی:** ادراک در لغت عرب به معنای رؤیت است و نه احاطه، چنانکه اکثر لغویون بر آن تأکید دارند. گرچه تعداد محدودی نیز ادراک را به معنای احاطه دانسته‌اند، شیخ طوسی با توجه به لغت عرب و آیات دیگر قرآن، نشان می‌دهد ادراک به معنای احاطه نیست.

۳. استدلال عقلی: هر صفتی که نفی آن مدح خداوند باشد، اثبات آن نقص محسوب می‌شود، حال آنکه خداوند از هر نقصی میراست (طوسی، بی تا، ج ۴، ص ۲۲۴-۲۲۵).

شیخ طوسی توضیح می‌دهد که دلالت واضحی بر اینکه خداوند متعال با چشم‌ها دیده نمی‌شود در این آیه وجود دارد؛ زیرا خداوند متعال با نفی نمودن ادراک از خود، خودش را مدح کرده است و هر آنچه نفی آن به صورت غیر منفضل، مدح باشد، اثبات آن، نقص است و نقص به خداوند متعال تعلق نمی‌گیرد (طوسی، بی تا، ج ۴، ص ۲۲۳)، وی بیان می‌کند که اهل حشو و مجبّره، رؤیت خداوند در آخرت را با توجه به این آیه، جایز می‌شمارند و آیه را به این صورت که ادراک به معنای احاطه بوده، تأویل می‌کنند و شیخ طوسی ذکر می‌کند که فساد این عقیده را بیان کردیم (طوسی، بی تا، ج ۴، ص ۲۲۶).

نمونه جامع: نقد چند عقیده در یک آیه

در تفسیر آیه «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ...» (بقره: ۱۸۵)، شیخ طوسی سه جنبه از عقاید مجبّره را به چالش می‌کشد:

۱. هدایت عمومی: عبارت «هُدًى لِّلنَّاسِ» نشان می‌دهد هدایت الهی شامل همه انسان‌ها می‌شود، در حالی که مجبّره معتقدند خداوند کفار را هدایت نکرده است.

۲. تکلیف به اندازه طاقت: عبارت «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» ناقض نظریه «تکلیف ما لا يطاق» است.

۳. رفع حرج: تحمیل مشقت‌های غیر معقول بر خود، خلاف اراده الهی است که در آیه به صراحت بیان شده است (طوسی، بی تا، ج ۲، ص ۱۲۵-۱۲۶).

۵. نتیجه

قرن چهارم و پنجم هجری، اوج شکوفایی مناظرات کلامی و تألیف تفاسیر عقلی بود. بررسی آثار شیخ طوسی نشان‌دهنده عمق عقل‌گرایی و تسلط بی‌نظیر این مفسر بزرگ در پیوند دادن تفسیر قرآن با علم کلام است. تفسیر تبیان به عنوان یکی از ارزشمندترین آثار شیخ طوسی، با استناد به آیات متعدد قرآن و با بهره‌گیری از دلایل نقلی و عقلی، به نقد نظام‌مند عقاید فرقه مجبّره پرداخته و دیدگاه‌های آنان را به تفصیل رد کرده است. شیخ طوسی در این تفسیر با روش مندی خاصی به نقد عقاید فرقه مجبّره پرداخته است که در موارد ذیل خلاصه می‌شود:

- آیات قرآن را مستند اصلی رد عقاید مجبّره قرار داده است؛
- از استدلال‌های عقلی بهره‌گیری کرده است؛
- به دیگر منابع تفسیری توجه نشان داده است؛
- با زبان علمی و مستدل به شبهه‌زدایی پرداخته است.

روشنندی و شیوه شیخ طوسی در نقد فرقه مجبّره نشان‌دهنده عمق بینش کلامی و تسلط تفسیری این عالم بزرگ شیعی است.

۶. منابع و مأخذ

- القرآن الکریم.
- ابن اثیر، علی بن ابی کرم. (۱۴۱۷ق.). *الکامل فی التاریخ*. تحقیق عمر عبدالسلام تدمری. بیروت: دارالکتاب العربی.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (۱۴۰۸ق.). *البدایة والنهایة*. تحقیق علی شیری. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق.). *لسان العرب*. چاپ سوم. بیروت: دار صادر.
- ایازی، محمد علی. (۱۳۷۳ش.). *المفسرون حیاتهم و منهجهم*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ایرانی قمی، اکبر. (۱۳۷۱ش.). *روش شیخ طوسی در تفسیر تبیان*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- پژوهشگران گروه فلسفه و کلام اسلامی. (۱۳۸۲ش.). *اندیشه های کلامی شیخ طوسی* (جلد سوم). زیر نظر محمود یزدی مطلق. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- جباری، محمدرضا. (۱۳۷۹ش.). «شناخت و تحلیل مکتب حدیثی قم از آغاز تا قرن پنجم هجری». رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- جمالی نسب، زهرا. (۱۳۹۵ش.). «مقایسه اندیشه های کلامی شیعی در مدرسه های بغداد و حله». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم.
- حجازی دهقانی، رقیه. (۱۳۸۹ش.). «تأثیرگذاری مباحث کلامی سده پنجم در تفسیر تبیان و موضع گیری های کلامی شیخ طوسی». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه کاشان.
- حسینی بهارانچی، احمد. (۱۳۹۰ش.). «بررسی تطبیقی مسأله عقل و وحی در مدرسه کوفه و بغداد». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم حدیث.

- حسینی زاده خضرآبادی، سید علی. (۱۳۹۶ش.). «نقش متکلمان شیعه در بالندگی علم کلام در قرن چهارم و پنجم با محوریت مدرسه بغداد». *کلام اسلامی*، دوره ۲۶، ش ۱۰۴، صص ۱۰۵-۱۲۹.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی. (۱۴۲۲ق.). *تاریخ بغداد*. تحقیق بشار عواد معروف. بیروت: دار الغرب الاسلامی.
- خلیلی آشتیانی، سمیه. (۱۳۹۵ش.). «شاخصه های مدرسه تفسیری بغداد و تأثیرات آن تا پایان قرن پنجم هجری». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی تهران.
- درزی رامندی، هادی. (۱۳۹۱ش.). «بررسی آرای تفسیری سید مرتضی علم الهدی و تأثیر آن بر تبیین شیخ طوسی». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- ذهبی، محمد بن احمد. (۱۴۰۵ق.). *سیر اعلام النبلاء*. به اشراف شیخ شعیب الأرنؤوط. چاپ دوم. مؤسسة الرسالة.
- سلطانی رناتی، محمد. (۱۳۹۱ش.). «تحلیل عقلی و عقلایی مبانی کلامی شیخ طوسی در تفسیر قرآن کریم». رساله دکتری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- سید مرتضی، علی بن الحسین. (بی تا). *رسائل الشریف المرتضی*. قم: دار القرآن الکریم.
- شهرستانی، محمد بن عبد الکریم. (۱۴۰۴ق.). *الملل والنحل*. تحقیق محمد سید کیلانی. بیروت: دار المعرفة.
- شیرزاد، محمدحسین؛ شیرزاد، محمدحسن؛ ربیع نتاج، علی اکبر. (۱۳۹۵ش.). «جریان اهل ادب امامیه در مدرسه حدیثی بغداد از آغاز تا سده چهارم هجری». *پژوهش های قرآن و حدیث*، ش ۴۹، صص ۳۰۵-۳۲۵.
- طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). *التبیین فی تفسیر القرآن*. تصحیح احمد حبیب علملی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- علامه حلی. (۱۴۱۱ق.). *رجال العلامة الحلی*. قم: دار الذخائر.
- علامه طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۵۰ش.). *قرآن در اسلام*. تهران.

- فاریاب، محمدحسین. (۱۳۹۵ش.). «روش‌شناسی و بسترشناسی فکری نظریات متکلمان شیعی مکتب بغداد (قرن چهارم و پنجم) در مسئله امامت». *معرفت کلامی*، دوره ۲ ش ۷، صص ۱۲۵-۱۴۷.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. (بی‌تا). *کتاب العین*. تحقیق مهدی مخزومی؛ ابراهیم سامرائی. دار و مکتبه الهلال.
- فضل بن شاذان. (بی‌تا). *الإيضاح*. تحقیق جلال الدین حسینی آرموی. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- قاسم پور، محسن. (۱۳۸۲ش.). تحلیلی بر رویکرد تفسیری شیخ طوسی در تبیان. *مصباح*، دوره ۱۲، ش ۴۸، صص ۲۷-۵۰.
- قاسم پور، محسن؛ مسعودی نیا، سمیه. (۱۳۹۶ش.). «آراء معتزله در مطالعه تطبیقی بین گرایش تفسیری طوسی و طبرسی». *پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن*، ش ۵ (۲)، صص ۱۱-۳۴.
- قاسم پور، محسن؛ نجفی لیواری، مریم. (۱۳۹۷ش.). «شاخصه های رویکرد تفسیر عقلی شیخ طوسی با تأکید بر آیات ۸۳ و ۱۴۹ سوره انعام». *مطالعات تفسیری*، دوره ۹، ش ۳۴، صص ۴۳-۶۰.
- قاسمی حامد، مرتضی؛ جمالی، حامد. (۱۳۹۱ش.). «رویکرد کلامی-تقریبی شیخ طوسی در آثارش». *فروغ وحدت*، ش ۸ (۳۰).
- قندی، مهدی؛ رجایی، مهدیه. (۱۳۹۶ش.). «اهل بیت و مقابله با تفویض گرایی: انتقاد از تفویض گرایی در کنار انتقاد از جبر گرایی». *سفینه*، ۱۴ (۵۴)، صص ۱۰۸-۱۳۰.
- متز، آدام. (۱۳۸۸ش.). *تمدن اسلامی در قرن چهارم*. چاپ چهارم. ترجمه علیرضا ذکاوتی. تهران: امیرکبیر.
- میرداماد. (۱۳۷۴ش.). *نبراس الضیاء*. تصحیح حامد ناجی اصفهانی. تهران: میراث مکتوب.
- نجاشی، احمد بن علی. (۱۴۰۷ق.). *رجال النجاشی*. قم: جامعه مدرسین.

- نریمانی، زهره. (۱۳۸۴ش.). «شناخت و بررسی مکاتب حدیثی شیعه (بغداد وری) تا پایان قرن پنجم هجری». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم.
- هاشمی، ریحانه؛ هاشمی زاده، محمد. (۱۳۹۴ش.). «جایگاه رویکرد عقلی شیخ طوسی در به کارگیری قواعد تفسیری در تفسیر تبیان». نامه جامعه، ش ۱۱۶، صص ۷-۲۸.
- وجدی، محمد فرید. (۱۹۷۱م.). دائرة معارف القرن العشرون. چاپ سوم. بیروت: دارالفکر.